

دگرگونی اقتصادی

داگلاس نورث

ترجمہ داود حیدری، مفید علیزادہ

- ۷ پیش‌گفتار
۱۳ فصل اول: طرح کلی فرایند تغییر اقتصادی

بخش اول

مسائل مرتبط با درک تغییر اقتصادی

- ۲۵ مقدمه
۲۷ فصل دوم: عدم قطعیت در جهان غیرارگودیک
۳۹ فصل سوم: نظام‌های عقیدتی، فرهنگ و علوم شناختی
۵۹ فصل چهارم: خودآگاهی و قصدمندی انسان
۷۳ فصل پنجم: ساختارهای ایجادشده به دست بشر
۹۵ فصل ششم: برآورد کلی

بخش دوم

مسیر پیش‌رو

- ۱۱۷ مقدمه
۱۲۱ فصل هفتم: محیط انسانی در حال تکامل
۱۳۹ فصل هشتم: منابع نظم و بی‌نظمی
۱۵۵ فصل نهم: درک درست و نادرست
۱۶۹ فصل دهم: ظهور جهان غرب
۱۹۳ فصل یازدهم: ظهور و سقوط اتحاد شوروی
۲۰۵ فصل دوازدهم: بهبود عملکرد اقتصادی
۲۱۹ فصل سیزدهم: به کجا می‌رویم؟
۲۲۵ کتاب‌شناسی

فصل اول طرح کلی فرایند تغییر اقتصادی

درک تغییر اقتصادی^۱ شامل همه مسائل از ظهور جهان غرب گرفته تا افول اتحاد شوروی، نیازمند آن است که ما به اموری بسیار فراتر از تغییر صرفاً اقتصادی توجه نشان دهیم زیرا چنین تغییری برخاسته از دگرگونی‌هایی (۱) در کمیت و کیفیت انسان (۲) در ذخیره علمی یا دانش^۲ انسان، به‌ویژه دانش مرتبط با سلطه انسان بر طبیعت و (۳) در چارچوب نهادی تعریف‌کننده ساختار محرک آگاهانه جامعه است. بنابراین، نظریه کامل تغییر اقتصادی دربرگیرنده دیدگاه‌های جمعیت‌نگاری، مجموعه یا میزان دانش و تغییر نهادی^۳ است. ما نظریه‌های مناسب اندکی در مورد هر یک از این سه مقوله بسیار کمتر، از هر سه آنها در کنار یکدیگر - داریم، ولی در حال پیشرفت در این زمینه هستیم. توجه محوری در این تحقیق و کلید بهبود اجرای اقتصادی بر تلاش آگاهانه انسان‌ها برای کنترل بر محیط خود قرار دارد. بنابراین، اولویت در اینجا بر تغییر نهادی قرار گرفته است که در اثر آن، تغییرات در جمعیت‌نگاری و در مجموعه دانش به وجود می‌آید. ولی هیچ الزامی وجود ندارد که چنین رویکردی به‌طور کافی به دو مورد بعدی نیز پردازد.

ساختاری که ما بر زندگی خود اعمال می‌کنیم تا عدم قطعیت^۴ را کاهش دهیم، انباشتی از امر و نهی‌هاست که در نتیجه این انباشت حاصل شده‌اند و نتیجه آن، ترکیب پیچیده‌ای از قیدوبندهای رسمی و غیررسمی است. این

قیدوبندها در زیان، مصنوعات مادی و اعتقادات وارد شده‌اند که در کنار یکدیگر الگوهای تعاملات انسانی را تعریف می‌کنند. اگرچه توجه ما فقط بر اقتصاد محدود شود، آنگاه نگرانی ما در مورد کمیاب بودن منابع و رقابت بر سر آنها خواهد بود. ساختار قیدوبندهایی که ما برای مدون کردن این رقابت اعمال می‌کنیم، شکل‌دهنده شیوه بازی خواهد بود. از آنجا که بازارهای بسیار متنوع (سیاسی و اقتصادی) دارای حاشیه‌های متفاوتی هستند که در آنها رقابت صورت می‌گیرد، پیامد ساختار اعمال شده از طرف ما تعیین‌کننده این نکته خواهد بود که آیا ساختار رقابتی باعث افزایش بازده اقتصادی یا رکود می‌شود، یا خیر. در نتیجه، حقوق مالکیت کارآمد که باعث تشویق بهره‌وری می‌شود، باعث افزایش بازده بازار خواهد شد. ساختار در حال تکامل بازارهای سیاسی و اقتصادی کلید توضیح این عملکرد است.

در حالی که عدم قطعیت بر وجود ما مستولی است، شاید به واسطه ساختاری که اعمال می‌کنیم این عدم قطعیت کاهش یابد، ولی از بین نخواهد رفت. قیدوبندهایی که ما اعمال می‌کنیم، خود دارای پیامدهای غیرقطعی یا نامشخص هستند که بیانگر درک ناقص ما از محیط پیرامونی خود و ماهیت ناقص قوانین رسمی و سازوکارهای غیررسمی هستند که ما برای اجرای آن قیدوبندها به کار می‌گیریم.

کتاب حاضر بررسی تلاش‌های بی‌وقفه انسان‌ها برای تسلط بیشتر بر زندگی خود است که در خلال این تلاش، همواره با مشکلات تازه و بدیعی مواجه می‌شوند که باید آنها را از پیش پا بردارند. این کتاب بررسی بینش‌هایی است که باعث نوآوری‌های نهادی می‌شود که هدف آنها کاهش عدم قطعیت یا تبدیل آن به خطرپذیری است. این چشم‌انداز چالش‌های تازه‌ای را اعمال می‌کند که در نتیجه آن، سیاست‌های ناشی از توضیحات «غیرمنطقی» به‌طور مکرر در ساختارهای ایجادشده به وسیله ما ایفای نقش می‌کنند.

توصیف کلی فرایند تغییر اقتصادی بسیار ساده است. واقعیت یک نظام سیاسی اقتصادی هرگز برای کسی معلوم نیست ولی انسان‌ها باورهای مفصلی

را در مورد ماهیت این واقعیت ایجاد می‌کنند - باورهایی که در بردارنده یک الگوی مثبت در مورد روش کارایی نظام و یک الگوی هنجاری در مورد چگونگی کارایی آن است. نظام اعتقادی شاید به‌طور گسترده درون جامعه وجود داشته باشد و اجماع عقاید را نشان دهد یا آنکه عقاید بسیار ناهمخوان درون جامعه وجود داشته باشد که بیانگر اختلافات بنیادین در درک مردم از جامعه باشد. عقاید برتر - عقاید مربوط به کارفرمایان سیاسی و اقتصادی در منصب سیاست‌گذاری - در طول زمان به انباشت ساختار پیچیده‌ای از نهادها می‌انجامد که عملکرد اقتصادی یا سیاسی را تعیین می‌کنند. ماتریس (شرایط و وضعیت) نهادی^۱ حاصله قیدوبندهای شدیدی را بر مجموعه گزینه‌های مورد نظر کارفرمایان در هنگام تلاش آنها در نوسازی یا تعدیل نهادها برای بهبود موقعیت سیاسی یا اقتصادی خود اعمال می‌کند.

وابستگی به مسیر^۲ که اغلب ناشی از این مسئله است، باعث سرعت گرفتن تغییرات می‌شود. این تغییر نهادی ریشه‌ای و ناگهانی بیانگر آن است که چیزی مشابه تغییر تعادل نقطه‌ای^۳ که در زیست‌شناسی تکاملی روی می‌دهد، در تغییر اقتصادی نیز وجود دارد. ولی در حالی که کارفرمایان سیاست‌هایی را برای بهبود جایگاه رقابتی خود اعمال می‌کنند، تغییرات همواره روی می‌دهند (هرچند که آهنگ این تغییرات به میزان رقابت در میان سازمان‌ها و کارفرمایان آنها بستگی دارد). نتیجه این کار، تغییر ماتریس نهادی و در نتیجه بازنگری درک واقعیت است که بر اثر آن، تلاش‌های تازه‌ای از سوی کارفرمایان برای بهبود جایگاه خود در یک فرایند تغییر بی‌پایان انجام می‌شود. کلید فهم فرایند تغییر به قصد بازیگران اجراکننده تغییر نهادی و درک آنها از مسائل مربوط می‌شود. رشد اقتصادی در سراسر تاریخ و در جهان معاصر به صورت فصلی و دوره‌ای بوده است، زیرا یا قصد بازیگران رفاه جامعه نبوده یا درک بازیگران از مسائل چنان ناقص بوده است که نتایج حاصل کاملاً از آنچه آنها می‌خواستند، منحرف شده است.

ماهیت این فرایند کلی را می‌توان در بررسی مختصر ظهور و سقوط اتحاد

جماهیر شوروی بیان کرد (که بعدها مورد تحلیل فراگیرتر قرار خواهد گرفت). مارکس و انگلس این نظام اعتقادی را ارائه کردند که منبع الهام انقلابی لنین بود. هر دوی آنها به توضیح جایگاه کنونی جهان و جایگاهی که باید به آن برسد، پرداختند. شرایط کشور جنگزده روسیه در سال ۱۹۱۷ فرصتی نامعمول را برای ایجاد تغییرات نهادی فراهم آورد. در حالی که مارکس هیچ طرحی برای انتقال جامعه به سوی سوسیالیسم ارائه نداد، اصول عقیدتی بنیادین او به‌ویژه در خصوص مفهوم مالکیت همچنان اصول هدایت‌کننده (وقیدوبندهای) رهبران شوروی بود. نیازهای صرف مادی به بازگشت از اصول و ایجاد سیاست نوین اقتصادی^۱ در سال ۱۹۲۱ انجامید. برنامه پنج‌ساله نخست در سال ۱۹۲۸، بازگشت به اصول عقیدتی را در پی داشت. در سال‌های نخست، بحث‌های قابل توجهی درباره راهبردهای جایگزین صورت گرفت و در نتیجه، نهادها به ایجاد سوسیالیسم کمک کردند و انباشت تدریجی ماتریس نهادی پیچیده باعث موفقیت‌های ملموس - مانند صنایع سنگین - شکست‌ها - مانند بخش کشاورزی - و تلاش برای ترمیم این شکست‌ها درون نظام اعتقادی مارکسیسم شد. در حالی که اقتصاد رشد خود را سپری می‌کرد، با تأثیرات مخرب هجوم نازی‌ها مواجه شد و سپس فرایند طولانی بازسازی را طی کرد. ماتریس نهادی به‌طور مرتب مورد جرح و تعدیل محرک خارجی - جنگ - یا درک داخلی از تغییرات نهادی لازم تحت هدایت نظام اعتقادی رشد کرده در درون محدوده‌های مارکسیسم قرار می‌گرفت. نتیجه این فرایند در خلال دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰، رشد سریع تولیدات مادی، فناوری نظامی و دانش علمی و ورود شوروی به جایگاه یک ابرقدرت بود.

تقریباً نیمی از جهان در این دوره سوسیالیست یا کمونیست شدند. برداشت گسترده چنین بود که این ایدئولوژی‌ها موج آینده تلقی می‌شوند. ولی این رشد در ادامه رو به کاهش گذاشت. مشکل کشاورزی هرچه حادثر می‌شد و تلاش‌های نهادی برای اصلاح مشکلات ناموفق بود. به دنبال به قدرت رسیدن گورباچف در سال ۱۹۸۵ برنامه سیاست‌های شش سال آتی

باعث افول مطلق و در سال ۱۹۹۱ فروپاشی اتحاد شوروی شد - که شاید تکان‌دهنده‌ترین نمونه سقوط سریع و داخلی یک نظام در تاریخ بشر بود. ماجرای اتحاد شوروی ماجرای واقعیت ملموس، عقاید، نهادها، سیاست‌ها و ماجرای واقعیت ملموس تغییر یافته و غیره است. کلیدهای درک این ماجرا، روش تغییر باورها به وسیله بازخوردهای ناشی از واقعیت ملموس در حال تغییر بر اثر سیاست‌های اجرایی، بازده تطبیقی^۱ ماتریس نهادی - چگونگی واکنش آن به تغییرات هنگام انحراف نتایج از مقاصد - و محدودیت تغییرات در قوانین رسمی به عنوان عوامل اصلاح کاستی‌های ملموس است.

توانایی ارائه توصیفی مختصر درباره فرایند تغییرات اقتصادی یک مسئله است و فراهم ساختن موارد کافی برای توصیف و درک این فرایند مسئله دیگری است. ما واقعیت را تا چه اندازه مطلوب درک می‌کنیم؟ عقاید چگونه شکل می‌گیرند؟ عقاید چه کسانی اهمیت دارد و عقاید افراد چگونه شکل نظام‌های عقیدتی به خود می‌گیرند؟ باورها چگونه تغییر می‌کنند؟ رابطه میان باورها و نهادها چیست؟ نهادها چگونه تغییر می‌کنند؟ نهادها چگونه بر عملکرد تاثیر می‌گذارند؟ چه عاملی باعث ایجاد الگوهای بسیار متنوع عملکرد اقتصادی و سیاسی می‌شود؟ و شاید مهم‌تر از همه اینکه ماهیت اصلی خود این فرایند چیست؟ این موارد تنها محدود پرسش‌هایی هستند که در کتاب حاضر مطرح می‌شوند. باقی‌مانده فصل حاضر قطعات جداگانه این جورچین یا پازل را بررسی می‌کند.

۲

نیروی محرکه اصلی تلاش‌های انسانی - منبع قصد و نیت انسان که از ضمیر خودآگاه او سرچشمه می‌گیرد - چیست؟ این نیرو تلاش‌های فراگیر انسان‌ها برای روشن ساختن محیط پیرامون خود است تا ناپایداری‌های محیط خود را کاهش دهند. ولی تلاش‌های انسان برای روشن ساختن محیط پیرامونی خود به تغییرات مداوم در محیط زیست و در نتیجه چالش‌های تازه برای